



بالرغ مکرونیته

نیچه، وبرا، فوکو و سرشت دو وجهی خرد

دیوید اوون

ترجمه‌ی

سعید حاجی‌ناصری، زانیار ابراهیمی



رخداد نو

هیچ مطالعه‌ی دیگری سراغ ندارم که مسیر فکری نیچه، وبر و فوکو را به طریقی چنین خلاقانه و سازنده بررسی کرده باشد. اثر اوون عمیق و تأمل‌برانگیز است و بصیرت‌های مهم بسیاری به دست می‌دهد. کیت آنسل پیروز، استاد دانشگاه وارویک

این اثر اندیشه‌ی نیچه، وبر و فوکو را در مقام مسیری متفاوت از اندیشه‌ی مدرن مورد بررسی قرار داده و ظهور و گسترش تبارشناسی را به منزله‌ی شکلی از نقد درون‌بود پی می‌جوید. همچنین بر آن است که رابطه‌ی این سه متفکر با یکدیگر را روشن ساخته و اتهام هابرماس مبنی بر این که نیچه، وبر و فوکو نیهیلیست هستند و رویکردشان به لحاظ فلسفی فاقد انسجام و به لحاظ عملی غیرمسئولانه است را از این طریق پاسخ دهد که تبارشناسی در مقام فعالیتی عملی به سوی تحقق خودمختاری بشری میل می‌کند.



بلوغ و مدرنیته

نیچه، وبر، فوکو
و
سرشت دووجهی خرد

دیوید اوون

ترجمه‌ی

سعید حاجی‌ناصری، زانیار ابراهیمی



رخداد نو

عنوان و نام پدیدآور:	بلوغ و مدرنیته: نیچه، وبر، فوکو و سرشت دوجبهی خرد/ اوون، دیوید، ترجمه‌ی سعید حاجی‌ناصری، زانیار ابراهیمی.
مشخصات نشر:	تهران: رخ‌داد نو، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۳۹۰ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۴۵۷-۵۹-۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیب
یادداشت:	<i>Maturity and Modernity: Nietzsche, Weber, Foucault, and the Ambivalence of Reason, 1994.</i>
یادداشت:	نمایه
موضوع:	نیچه، فردریش ویلهلم، ۱۸۴۴-۱۹۰۰ م. وبر، ماکس، ۱۸۶۴-۱۹۲۰ م. فوکو، میشل، ۱۹۲۶-۱۹۸۴ م.
شناسه افزوده:	حاجی‌ناصری، سعید، ۱۳۶۰- مترجم. ابراهیمی، زانیار، ۱۳۶۷- مترجم.
رده‌بندی کنگره:	B ۸۱۹/۵ الف ۸ ب ۱۳۹۲
رده‌بندی دیوئی:	۱۹۰
شماره کتابشناسی ملی:	۳۳۲۶۰۲۳

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، مجتمع فروزنده، واحد ۵۱۳.
کد پستی ۱۳۱۴۷۴۴۱۷۸، تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، نمابر: ۶۶۴۹۸۲۹۴
• ناشر رخ‌دادنو

دیوید اوون	David Owen
بلوغ و مدرنیته	Maturity and Modernity

ترجمه‌ی سعید حاجی‌ناصری، زانیار ابراهیمی		
• چاپ اول ۱۳۹۴ تهران	• شمارگان ۵۰۰ نسخه	• قیمت ۲۳۰۰۰ تومان
• لیتوگرافی خدمات فرهنگی صبا	• چاپ تصویر	• صحافی نبوت
• طرح روی جلد حسن کریم‌زاده		

شابک ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۴۵۷ - ۵۹ - ۸	ISBN 978-600-6457-59-8
همه‌ی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.	Printed in Iran

برای پدر و مادرم آن و جری اوون
که بدون آنان هیچ بودم

فهرست

.....	سپاسگزاری	۱۱
.....	علائم اختصاری	۱۵
.....	مقدمه	۱۷
.....	مسئله‌ی نقد	۱۷
.....	ساختار کتاب	۲۰
.....	فصل اول: کانت و مسئله‌ی بلوغ	۲۷
.....	خودآئینی، عقل و تاریخ	۳۱
.....	نتیجه‌گیری	۳۹
.....	فصل دوم: دگرگونی نقد: نیچه و تبارشناسی	۴۱
.....	از معرفت‌شناسی به تبارشناسی	۴۳
.....	از قانون‌گذاری تا ارزیابی	۵۱
.....	اراده‌ی معطوف به قدرت در مقام اصلی تبیینی	۵۶
.....	اراده‌ی معطوف به قدرت در مقام اصل ارزیابی	۶۱
.....	فصل سوم: تبارشناسی مدرنیته: نیچه، زهد و نیهیلیسم	۶۵
.....	از غریزه به عاملیت و کارگزاری: آداب و رسوم و فرهنگ	۶۶
.....	سروران و بندگان: خودآئینی و رنجش	۷۶
.....	از رنجش تا وجدانِ نگون‌بخت: تجربه‌ی یهودی	۸۱
.....	از رنجش تا وجدانِ نگون‌بخت: تجربه‌ی یونانی	۸۸
.....	یهود - یونانی، یونانی - یهود: مسیحیت و اراده‌ی معطوف به حقیقت	۹۳
.....	مسیحیت، "رشد و نمو" و تأمل درباره‌ی خود	۹۸
.....	ظهور نیهیلیسم و روانشناسی انسان مدرن	۱۰۲

شور فاصله و قابلیت‌های انسان مدرن.....	۱۰۶
فصل چهارم: سیاست بشریت: نیچه، بلوغ و مدرنیته.....	۱۱۱
فرهنگ، اجتماع و نیهیلیسم.....	۱۱۲
غلبه بر وجدان نگون‌بخت: تبدیل شدن به آنچه هستیم.....	۱۱۴
غلبه بر رنجش: بازگشت ابدی در مقام شور فاصله.....	۱۱۷
غلبه بر رنجش، بخش دوم: زمان مربوط به بازگشت ابدی.....	۱۲۱
خودآئینی و بازگشت ابدی.....	۱۲۴
سیاستِ ناظر بر بازگشت ابدی.....	۱۲۸
دووجهی بودن بشر: "ناپلئون" و "گوته".....	۱۳۲
نتیجه‌گیری: اقتدار نیچه.....	۱۳۹
فصل پنجم: تبارشناسی در مقام علوم فرهنگی: وبر، روش‌شناسی و نقد.....	۱۴۱
تاریخ، فرهنگ، ارزش‌ها: نقد ریکرت.....	۱۴۲
بی‌طرفی ارزشی، صداقت فکری و گونه‌های آرمانی.....	۱۴۹
تبیین و علوم فرهنگی.....	۱۵۵
علوم فرهنگی در مقام نقد.....	۱۶۱
فصل ششم: تبارشناسی مدرنیته: وبر، زهد و افسون‌زدایی.....	۱۶۵
از دین بدوی تا دین جهانی: یهودیت باستان.....	۱۶۶
اخلاق پروتستان: کاریزما، تکلیف و حوزه‌های زندگی.....	۱۷۴
اخلاق پروتستان: علم و عرفی شدن.....	۱۸۱
اخلاق پروتستان: سیاست و بوروکراتیک شدن.....	۱۸۶
سرنوشت مدرنیته.....	۱۹۲
فصل هفتم: سیاست ناظر بر "شخصیت": وبر، بلوغ و مدرنیته.....	۱۹۵
سرشت دووجهی مدرنیته.....	۱۹۶
ایده‌ی "شخصیت": آرمان (ایدئال) فرهنگی وبر.....	۱۹۸
ایده‌ی "تکلیف": اخلاق حرفه‌ای وبر.....	۲۰۲
سیاست مقاومت.....	۲۰۵
اخلاق دووجهی: علم و سیاست به مثابه‌ی حرفه.....	۲۱۳

۲۱۷.....	نتیجه گیری: اقتدار وبر
	فصل هشتم: تبارشناسی درمقام نوعی هستی شناسی تاریخی: فوکو،
۲۱۹.....	روش شناسی و نقد
۲۲۰.....	روشنگری، اومانیسیم، مدرنیته
۲۲۴.....	قهرمانی کردن کنایه وار درمقام نوعی وارستگی دیرینه شناسانه
۲۲۹.....	قهرمانی کردن کنایه وار درمقام نوعی درگیری تبارشناسانه
۲۳۵.....	نگاه خیره ی دوسویه: پروبلماتیک ها و اعمال
۲۳۸.....	تبیین و هستی شناسی تاریخی
۲۴۹.....	هستی شناسی تاریخی درمقام نقد
۲۵۵.....	فصل نهم: تبارشناسی مدرنیته: فوکو، اومانیسیم و زیست سیاست
۲۵۶.....	تبارشناسی اومانیسیم
۲۶۴.....	درباره ی عقل تنبیهی: ابژه شدن افراد
۲۸۴.....	درباره ی عقل جنسی: سوژه کردن افراد
۲۹۴.....	درباره ی عقل سیاسی: هستی و زیست سیاست
۳۰۷.....	فصل دهم: سیاست نقد: فوکو، بلوغ و مدرنیته
۳۰۸.....	"دوراهی" اومانیسیم
۳۱۳.....	اخلاق ضد اومانستی
۳۱۷.....	اخلاق درمقام سیاست
۳۲۳.....	روشنفکران و فعالیت نقد
۳۲۷.....	تبارشناسی درمقام نقد نمونه ای
۳۳۱.....	نتیجه گیری
۳۳۱.....	اندیشه و زمان
۳۳۳.....	تبارشناسی های مدرنیته
۳۳۴.....	بلوغ و نقد
۳۳۷.....	فرهنگ مفاهیم
۳۴۷.....	یادداشت ها

فصل اول: کانت و مسئله‌ی بلوغ.....	۳۴۷
فصل دوم: دگرگونی نقد: نیچه و تبارشناسی.....	۳۴۸
فصل سوم: تبارشناسی مدرنیته: نیچه، زهد و نیهیلیسم.....	۳۵۰
فصل چهارم: سیاست بشریت: نیچه، بلوغ و مدرنیته.....	۳۵۱
فصل پنجم: تبارشناسی درمقام علوم فرهنگی: وبر، روش‌شناسی و نقد.....	۳۵۵
فصل ششم: تبارشناسی مدرنیته: وبر، زهد و افسون‌زدایی.....	۳۵۷
فصل هفتم: سیاست "شخصیت": وبر، بلوغ و مدرنیته.....	۳۵۹
فصل هشتم: تبارشناسی درمقام نوعی هستی‌شناسی تاریخی: فوکو، روش‌شناسی و نقد.....	۳۶۱
فصل نهم: تبارشناسی مدرنیته: فوکو، اومانیسم و زیست‌سیاست.....	۳۶۵
فصل دهم: سیاست نقد: فوکو، بلوغ و مدرنیته.....	۳۶۷
منابع.....	۳۶۹
نمایه.....	۳۷۹

سیاسگزاری

نمی‌توانم از تمام کسانی که طی دوره‌ی نگارش این کتاب از کارم حمایت کردند، و حواس‌شان به زندگیم بود، تشکر کنم. باری، از تمام آنان سیاسگزارم، و امیدوارم نامبرندگان جای کسانی را که اسم‌شان از قلم افتاده است، پر کنند.

دانشگاه دورهام بودجه‌ی اولیه را برای انجام تز دکترایم درباره‌ی نیچه، وبر و فوکو فراهم ساخت، و کتاب حاضر نیز کمابیش بر همین پژوهش مبتنی است. اروینگ ولودی، ناظر من طی زمان نگارش، اسوه‌ای از سخاوت دانشگاهی است. بزرگترین دین‌های فکری‌ام را به او دارم؛ و دوستی‌اش همواره برایم منبع پایان‌ناپذیر توجه و حمایت بوده است، حمایتی که بدون آن نگارش کتاب پیش‌رو به‌سختی امکان‌پذیر می‌بود. همچنین مایلم از دیگر اعضای گروه جامعه‌شناسی به‌ویژه رابین ویلیامز به‌خاطر تعهدش به‌روشنی و وضوح فکری تشکر کنم. او بود که مرا مجبور ساخت نظمی فهم‌پذیر به اندیشه‌هایم بدهم. داور خارجی تز من، زیگموند باومن، مرا تشویق کرد تا التزام را منتشر کنم، و همچنان به حمایت خود از من ادامه داد. ویراستارم، کریس روجک، صبر و شکیبایی بی‌پایانی نسبت به من مبذول داشت. همچنین مایلم از دو خواننده‌ی ناشناس راتلج قدردانی کنم.

در چهار سال پایانی، از تشویق و دلگرمی گروه‌های سیاست در Westfield College و Queen Mary و City of London Polytechnic برخوردار گشتم. مایلم به‌ویژه از آن فیلیس^۱ برای بحث‌های ساعات ناهار که همواره الهام‌بخش من بود تشکر کنم. به‌تازگی، همکارانم در گروه جامعه‌شناسی

دانشگاه اسکس^۱ سخاوتمندانه مرا از تشویق‌های خویش بهره‌مند ساختند. می‌خواهم از کن پلامر^۲ و نایجل ساوث^۳ برای حمایت عملی‌شان تشکر کنم، و از تد بنتون^۴ برای مخالفت‌های سازنده‌اش قدردانی نمایم. مایلم در این‌جا از انجمن نیچه‌ی بریتانیای بزرگ^۵، بی. اس. ای گروه مطالعاتی ماکس وبر^۶ و شبکه‌ی تاریخ تحقیقات معاصر^۷ یاد کنم، که هر یک از آن‌ها منبع و سرچشمه‌ی حمایت و همکاری جمعی بودند. با توافق^۸ بندهایی از تبارشناسی اخلاقی نیچه (copyright 1967 by Random House, Inc) و با توافق انتشارات دانشگاه آکسفورد، نیوریورک^۹ بخش‌هایی از کتاب ماکس وبر^{۱۰} را دوباره چاپ کرده‌ام.

طی این چهار سال، افراد بسیاری تک‌فصل‌هایی از کتاب را خواندند؛ از آنان به‌خاطر کمک فکری‌شان و فرستادن نسخه‌هایی از آثار خودشان سپاسگزارم. مایلم از این افراد و کسانی که ناخواسته اسم‌شان را از قلم انداخته‌ام، تشکر کنم: سامانتا آشنندن، سیستمین بارکر، دانیل کانوی، جوانا هاج، کیمبرلی هوچینگز، کلی اولیور، تام اسبورن، نوئل اسالیوان، نیک رز، تریسی استرانگ، آرپاد زاکویزای، سام ویمستر، تونی وودیوس.

مایلم از کیت آنسل-پیرسون، هاوارد کیگیل^{۱۱} و رالف شرودر^{۱۲} به‌خاطر قرائت بخش اعظم کتاب در مقاطع مختلف تشکر کنم، اینان فداکارانه وقت خودشان را صرف بحث، استدلال و اظهار انتقاداتی درباره‌ی کار من کردند. بدون قرائت‌های

-
1. University of Essex
 2. Ken Plummer
 3. Nigel South
 4. Ted Benton
 5. Nietzsche Society of Great Britain
 6. BS Weber Studies Group
 7. History of the Present Research Network
 8. Random House
 9. Oxford University Press, New York
 10. From Max Weber
 11. Howard Caygill
 12. Ralph Schroeder

عالمانه‌ی ایشان اشتباهات بسیار بیشتری مرتکب می‌شدم، و موارد بی‌شماری را که ممکن بود مرتکب اشتباه شوم، مغفول می‌گذاردم. از آنان ممنونم، چه ایشان قدرت فکری را با سخاوت روح‌شان آمیخته‌اند، درست زمانی که بخش‌های ویژه‌ی کار مرا به پرسش می‌گرفتند. نیازی به گفتن نیست که مسئولیت اشتباهات بر دوش من خواهد بود.

در سراسر زمان نگارش این کتاب، از کمک‌های خانواده‌ام بهره‌مند بوده‌ام (به‌ویژه از خواهرم کاث^۱ متشکرم که اجازه داد از کامپیوترهایش استفاده کنم). و مایلم از دوستانم سیمون کورت، کریستی سیمور - اور، تام اسمیت، جیم استرتون تشکر کنم که با دیدارهایشان خستگی کار را در من از میان می‌بردند. سرانجام از سامانتا اشندن^۲ ممنونم که بدان‌چه سزاوارش بود، نائل گشت؛ امیدوارم که دوباره حقیقت، زمان و درخت‌ها را با یکدیگر شریک شویم.

1. Cath

2. Samanta Ashenden

علائم اختصاری

نیچه

AC	The AntiChrist	دجال
BGE	<i>Beyond Good and Evil</i>	فراسوی نیک و بد
BT	<i>The Birth of Tragedy</i>	زایش تراژدی
D	<i>Daybreak</i>	سپیده دم
EH	<i>Ecce Homo</i>	اینک انسان
GM	<i>On the Genealogy of Morals</i>	تبارشناسی اخلاق
HAH	<i>Human, All Too Human</i>	انسانی زیاده انسانی
PT	<i>Philosophy and Truth</i>	فلسفه و حقیقت
TI	<i>Twilight of the Idols</i>	شامگاه بتان
UM	<i>Untimely Meditations</i>	تأملات نابهنگام
WP	The Will to Power	اراده‌ی معطوف به قدرت
Z	<i>Thus Spoke Zarathustra</i>	چنین گفت زرتشت

وبر

AJ	<i>Ancient Judaism</i>	یهودیت باستان
ES	<i>Economy and Society</i>	اقتصاد و جامعه
FMW	<i>From Max Weber : Essays in Sociology</i>	از ماکس وبر: مقالاتی درباره‌ی جامعه‌شناسی
GAW	<i>Gesammelte Aufsätze Wissenschaftslehre</i>	مقالاتی درباره‌ی

	(Essays on Methodology)	روش‌شناسی
	"The Nation State and Economic	
NSEP	Policy" (Freiburg Address)	"دولت - ملت و اقتصاد سیاسی"
PE	The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism	اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری
PV	"Politics as a Vocation"	"سیاست به مثابه‌ی حرفه"
RK	Roscher and Kneis	روشر و کنیس
SPWR	"The Social Psychology of World Religions"	"روانشناسی اجتماعی ادیان جهانی"
SR	The Sociology of Religion	جامعه‌شناسی دین
SV	"Science as a Vocation"	"علم به مثابه‌ی حرفه"

فوکو

AK	The Archaeology of Knowledge	تبارشناسی دانش
DP	Discipline and Punish	مراقبت و تنبیه
FR	The Foucault Reader	فوکوی خواننده
G	"Governmentality"	"حکومت‌مندی"
HS	The History of Sexuality (vol. 1)	تاریخ سکسوالیته (جلد اول)
LMC	Language, Counter. Memory, and Practice	زبان، یادحافظه و پراکتیس
OT	The Order of Things	نظم چیزها
P/K	Power/Knowledge	قدرت/دانش
PPC	Politics, Philosophy, Culture	سیاست، فلسفه، فرهنگ
PTI	"The Political Technology of Individuals"	"تکنولوژی سیاسی افراد"
QM	"Question of Method"	"مسئله‌ی روش"
SP	"The Subject and Power"	"سوژه و قدرت"
TS	"Technologies of the Self"	"تکنولوژی‌های خود"
UP	The Use of Pleasure	کاربرد لذت
UR	"Is It Useless to Rev?"	"آیا شورش فایده‌ای دارد؟"

مقدمه

اظهار نظر درباره‌ی شباهت‌های تفکر نیچه، وبر و فوکو به امری شایع بدل شده است. ولی به رغم تکرار این اظهارات، اهمیت و سرشت ویژه‌ی این شباهت‌ها به نحوی نظام‌مند مورد بررسی قرار نگرفته است. در کتاب حاضر، برای رفع این نقیصه استدلال می‌کنیم که نیچه، وبر و فوکو هر یک مسیر متفاوتی از تفکر انتقادی را در اندیشه‌ی مدرن پدید آوردند. این سرشت متفاوت را با ارجاع به دو موضوع بلوغ و مدرنیته بررسی می‌کنیم. به‌طور مشخص، هدف اصلی کتاب این است که ظهور و شکل‌گیری تبارشناسی را در مقام شکلی از نقد درون‌بود^۱ پی‌جویی کند، و سرشت اخلاقی و سیاسی این شکل از نقد را روشن سازد. در این مقدمه می‌کشیم نشان دهیم که چرا بر این باوریم که نیچه، وبر و فوکو در دغدغه‌های معاصر درباره‌ی اخلاق و سیاست، و به‌ویژه در اندیشیدن به نقد، ربط و مناسبتی مرکزی دارند.

مسئله‌ی نقد

منظور از نقد چیست؟ نقد موضوعی پیچیده و مورد مناقشه است. با این همه، می‌توان گفت در اندیشه‌ی اجتماعی و سیاسی پساکانتی، نقد یعنی *از طریق تأمل درباب مدرنیته در راه بلوغ قدم بگذاریم*؛ و در اندیشه‌ی پساکانتی، تأمل از راه بازسازی تاریخی هستی‌مان در زمان حاضر مفصل‌بندی می‌شود. دغدغه و دلمشغولی اصلی تفکر انتقادی کانت، بلوغ یا نابالغی ماست. تنها پس از کانت بود که نقد صبغه‌ای تاریخی یافت، و مسئله‌ی بلوغ (این‌که در شرایط حاضر امکان دستیابی به خودآئینی وجود دارد یا نه) به مسئله‌ی مدرنیته (این‌که سرشت هستی تاریخی ما در زمان حاضر

چیست؟) گره خورد. بر این اساس، می‌توان اظهار کرد که تأمل انتقادی مستلزم طرح سه پرسش است: بلوغ چیست؟ مدرنیته چیست؟ بلوغ و مدرنیته چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

اهمیت پاسخ به پرسش درباره‌ی نقد در این است که راه را بر تأمل درباره‌ی بحث‌های معاصر راجع به شکل تفکر انتقادی می‌گشاید. این بحث‌ها، بحث‌هایی که با تأملات ژان ژاک لیوتار درباره‌ی شرایط ظهور دانش در جامعه‌ی مدرن آغاز شدند، مضمون‌شان اغلب بر تضاد و تخالفِ واژه‌های مدرن و پست‌مدرن (و واژه‌های متعدد وابسته بدان‌ها) مبتنی است. یورگن هابرماس، مهمترین کسی است که تاکنون در این بحث‌ها شرکت جسته است. هابرماس در کتاب *گفتار فلسفی مدرنیته* در این باره اظهار می‌کند:

هگل گفتار مدرنیته را آغاز کرد. هگل این مضمون را مطرح ساخت که مدرنیته می‌تواند با انتقاد از خود، اعتماد و اطمینان به خویش را بازیابد. او قوانینی را پایه نهاد که این مضمون را به اشکال مختلف جلوه‌گر می‌ساختند، و این قوانین چیزی نبودند جز دیالکتیکِ روشنگری (Habermas 1987: 52).

هابرماس پس از طرح این ادعا که هگل در شکل مربوط به نقدِ پساکانتی نقشی بنیادی دارد، می‌کوشد ردای کذابی مشروعیتِ نیچه را از ادعای او در مورد مفصل‌بندیِ شکلی از نقد، تحت لوای ستیز آلمانی با مدرنیسم یا تحت لوای پست‌مدرنیسم فرانسوی، برگزند. در نظر هابرماس، انکار مدرنیته از سوی نیچه، شکست تلاش‌های سنتِ نبهیلیستی را در مفصل‌بندیِ دانشی انتقادی از زمان حاضر آشکار می‌سازد. انکار تام‌وتمام مدرنیته در فلسفه‌ی نیچه، آدورنو، هایدگر، دریدا و فوکو، به هیچ‌رو مستلزم درگیری و مواجهه‌ای انتقادی با زمان حاضر نیست، بل حتی در مقام اجرا تناقضاتی می‌آفریند که آشفتگی و عدم انسجام این به‌اصطلاح نقدها را روشن می‌سازد، و نشان می‌دهد که فلسفه‌ی آنان نادانسته در شکست عقلانیت در برابر عقل‌ناباوری، تفکر در برابر قدرت، و حق در برابر زور، که مشخصه‌ی بارز سیاستِ نومحافظه‌کاران است، شریک و سهیم بوده است.

سؤال این است که استدلال‌های دندان‌شکنِ هابرماس چه قدر قانع‌کننده‌اند؟ این استدلال‌ها تا اندازه‌ی زیادی به روایتی بستگی دارند که هابرماس از مدرنیته می‌سازد،

روایتی که در آن هگل قانون‌گذار بنیادی گفتار فلسفی مدرنیته است. به عبارت دیگر، قرائت به‌شدت انتقادی هابرماس از سنت نیچه‌ای، تنها به این شرط استوار خواهد ماند که هابرماس در این ادعا برحق باشد که شکل نقد پساکانتی برخاسته از هگل است، حال آن‌که این ادعا خود به روایتی بستگی دارد که هابرماس ارائه می‌دهد. در کتاب حاضر، در مخالفت با روایت هابرماس و ادعای او در این مورد که هگل شکل نقد پساکانتی را تعیین کرده است، گفتار دیگری از مدرنیته ارائه می‌دهیم که نمی‌توان با قوانین هگلی قضاوت‌اش کرد، چون راهی بدیل برای خروج از تناقضات و شک‌انگیزی^۱ فلسفه‌ی کانتی پیش می‌نهد. به عبارت دیگر، ادعای ما این است که سنت نیچه‌ای را باید سنتی دانست که محصول تأمل درباره‌ی مشکلات اندیشه‌ی کانتی است؛ و همین شکل نقد پساکانتی، شکلی که در اندیشه‌ی نیچه آشکار می‌شود، و در اندیشه‌ی وبر و فوکو گسترش می‌یابد (شکلی از نقد که گویی بر سنتی که با هگل آغاز شد و از طریق مارکس به هابرماس رسید، سایه می‌اندازد) بدیلی در برابر سنت هگلی پدید می‌آورد، سنتی که هابرماس خود را در آن جای می‌دهد. در واقع، کتاب حاضر را می‌توان پاسخی طولانی و دامنه‌دار به هابرماس تلقی کرد، و آن را وقفه‌ای در مبارزه بر سر معنای نقد دانست، وقفه‌ای که می‌کوشد هژمونی هابرس را بشکند، و باب گفت‌وگو را در باب مسئله‌ی مربوط به شکل نقد^۲، در مخالفت با هابرماس که می‌خواست این مسئله را تمام‌شده تلقی کند، دوباره بگشاید.

برای آن‌که شرحی مختصر از این دو سنت به‌دست دهیم، به‌طور کلی تفاوت‌های مهم‌شان را درخصوص مسئله‌ی نقد، با رجوع به سه پرسشی که مشخصه‌ی تأملات انتقادی پس از کانت هستند، نشان می‌دهیم: بلوغ چیست؟ مدرنیته چیست؟ و بلوغ و مدرنیته چه رابطه‌ای با هم دارند؟ می‌توانیم در مخالفت با فهم هگل از بلوغ به‌عنوان فعلیت بخشیدن به خود^۳، و به‌عنوان تحقق هستی اصیل فرد در مقام عامل و کارگزاری اخلاقی، فهم نیچه را از بلوغ در مقام غلبه بر خویش و فرآیند بی‌وقفه‌ی تبدیل فرد به آن‌چه هست — یعنی کارگزاری فرااخلاقی — مورد توجه قرار دهیم: و

1. aporias

2. The question of the form of critique

3. Self-actualization

در مخالفت با فهم هگل از مدرنیته به مثابه‌ی انشقاق عقل و آشتی عقل با خود، به فهم نیچه از مدرنیته رو کنیم؛ مدرنیته در نظر نیچه اراده‌ای معطوف به حقیقت است که از خودش به عنوان نوعی مشکل و مسئله آگاه می‌گردد. افزون بر این، درباره‌ی رابطه‌ی بلوغ و مدرنیته، می‌توان اشاره کرد که هگل بلوغ را غایت مدرنیته، اجابت وعده‌ی مدرنیته و تحقق طبیعتِ اصیل آن می‌دانست؛ در حالی که نیچه رابطه‌ی بلوغ و مدرنیته را رابطه‌ای مبهم و دوجهی تلقی می‌کرد: مدرنیته هم امکان بلوغ را پدید می‌آورد و هم زیرآب این امکان را می‌زند. سرانجام، در حالی که هگل نقد را فعالیتی می‌داند که در طی آن مدرنیته با افزودن بر آگاهی‌اش از هستی اصیل خویش، اعتماد و اطمینان‌اش را مجدداً باز می‌یابد؛ نیچه نقد را فعالیتی می‌داند که می‌خواهد با سرشت دوجهی مدرنیته روبه‌رو شود، و بنابراین راه را برای بلوغ تسهیل کند. به عبارت دیگر، هگل و نیچه، از بلوغ و مدرنیته، و رابطه‌ی این دو با یکدیگر، فهم متفاوتی دارند.

در این کتاب نمی‌خواهیم راجع به برتری این شرح‌ها و روایت‌ها درباره‌ی شکل نقد چیزی بگوییم، (در واقع فقط می‌خواهیم یکی از این شرح‌ها و روایت‌ها را بررسی کنیم). در عوض، هدف از این مقایسه، مقایسه‌ای که سرشتی به شدت کلی و ساده‌شده دارد، صرفاً این است که نشان دهیم در این کتاب، که حول مباحث مربوط به بلوغ و مدرنیته و رابطه‌ی این دو می‌چرخد، خود را به چه حوزه‌ای متعهد می‌دانیم. در کتاب حاضر، و در چارچوب این حوزه، این دو وظیفه را به انجام می‌رسانیم: نخست، سنت نقد را در بستر کانتی، بستری که در آن پدیدار شد، قرار می‌دهیم، و اظهار می‌کنیم که نیچه، وبر و فوکو مسیرهای متفاوتی را راجع به مسئله‌ی نقد در اندیشه‌ی مدرن پدید آوردند؛ و دوم؛ تکوین تبارشناسی را به عنوان شکل خاصی از نقد پی‌جویی می‌کنیم، و سرشت اخلاقی و سیاسی نقد تبارشناسانه را به نحوی انتقادی بررسی می‌کنیم.

ساختار کتاب

با توجه به مسائل و موضوعات یادشده، می‌توان از دو طریق به ساختار کتاب پی برد: یا می‌توان به دغدغه‌ی اصلی ما رجوع کرد — یعنی این که نیچه، وبر و فوکو مسیر

متفاوتی را در اندیشه‌ی مدرن در پیش گرفتند و شکلی از نقد را پی نهادند که با مدل‌های کانتی و هگلی متفاوت بود — یا می‌توان به دغدغهی فرعی‌مان توجه کرد — یعنی نشان دادن شکل خاص رویکرد نیچه، وبر و فوکو در باب مسئله‌ی بلوغ (و تکوین رویکردهاشان) و بازسازی مدرنیته، بازسازی‌ای که با توسل بدان مسئله‌ی بلوغ را بررسی می‌کنند (و تفاوت‌هاشان در تفسیر مدرنیته) و پاسخ‌شان به مسئله‌ی بلوغ (و تکوین این پاسخ‌ها).

در رابطه با دغدغهی اصلی کتاب، در استدلال‌مان می‌کشیم مسیر تاریخی نقد از کانت تا فوکو را پی‌جویی کنیم. در ابتدا، به بررسی این نکته می‌پردازیم که کانت چگونه مسئله‌ی بلوغ را مطرح ساخت، و چگونه تفکر انتقادی او در پرداختن و عرضه‌ی پاسخی کافی و بسنده به این مسئله ناکام ماند. در قدم بعدی، به این مطلب می‌پردازیم که نیچه چگونه در مواجهه با مسئله‌ی بلوغ به‌عنوان مسئله‌ای تاریخی، نقد [کانتی] را دگرگون می‌کند. سپس، نشان می‌دهیم که چگونه هم وبر و هم فوکو شکل مربوط به نقد درون‌بود را، نقدی که نیچه گسترش‌اش داد، می‌بالیند و بازتولید می‌کنند. بنابراین نخست نشان می‌دهیم که هر یک از این متفکران رویکردی تبارشناسانه به مسئله‌ی بلوغ اختیار می‌کنند. در گام بعدی، تبارشناسی‌های مدرنیته را بررسی می‌کنیم، و سرانجام سیاسی را که از پاسخ‌های این متفکران به مسئله‌ی بلوغ نتیجه می‌شود، تحلیل می‌کنیم. این راهبردها به استدلالی میدان می‌دهد که هم تحولات درون‌بود مسیرهای این اندیشه‌ها را توضیح می‌دهد و هم شکل ساختاری‌ای را حفظ می‌کند که شباهت‌های خانوادگی میان این متفکران را نشان می‌دهد. اکنون که دلایل حاکم بر نظام ساختاری استدلال‌مان را شرح دادیم، به محتوای خاص هر یک از فصل‌ها می‌پردازیم.

در فصل اول، مقاله‌ی کانت درباره‌ی روشنگری را به‌طور مفصل بررسی می‌کنیم؛ مقاله‌ی کانت را به‌عنوان متنی که نخستین بار مسئله‌ی بلوغ را مطرح می‌سازد، مورد توجه قرار می‌دهیم، و سپس این مقاله را در بستر و زمینه‌ی فلسفه‌ی انتقادی کانت جای می‌دهیم تا تناقض تاریخی^۲ و پارادوکس سیاسی^۳‌ای را آشکار کنیم که کانت

-
1. structural form
 2. historical antimony
 3. political paradox

ناخواسته برای اندیشه‌ی مدرن به میراث گذاشت. در این فصل می‌خواهیم مشخص کنیم که مسئله‌ی بلوغ — در مقام تدقیق و توضیح شکل تاریخی نقد درون‌بود، نقدی که مدرنیته‌ی مان را بازسازی می‌کند و از این طریق شرایط مربوط به امکان‌پذیری نقد درون‌بود را توضیح می‌دهد، و همزمان در رابطه با دستیابی به خودآئینی اهمیتی هم انتقادی و هم سیاسی می‌یابد — چه وظایفی را بر دوش اندیشه‌ی مدرن می‌گذارد.

در سه فصل بعدی کار نیچه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در فصل دوم، شرح می‌دهیم که نیچه با تمرکز بر مسئله‌ی تبارشناسی و پروژه‌ی مربوط به ارزیابی ارزش‌ها،^۱ شکل نقد درون‌بود را دگرگون می‌کند. با بررسی آموزه‌ی اراده‌ی معطوف به قدرت نیچه، به‌عنوان آموزه‌ای که اصول ناظر بر تبیین و ارزیابی را پدید می‌آورد، شکل مربوط به نقد تبارشناسانه را توضیح می‌دهیم. در فصل سوم، از توضیح صوری نقد تبارشناسانه‌ی نیچه، به کاربرد عملی آن در بازسازی تاریخی مدرنیته، به‌عنوان عصر نهیلیسم گذر می‌کنیم. استدلال‌مان در فصل سوم این است که نیچه با مفاهیمی چون رنجش، وجدان، نگون‌بخت و نقش کشیش زهد، شرحی درباب ابهام و دوپهلوی بودن فرهنگ مدرن ارائه می‌کند، فرهنگی که در آن توانایی انسان مدرن برای خودآئینی با فقدان پایه و اساسی که این توانایی را تحقق بخشد گره می‌خورد. پاسخ نیچه به ابهام و دوپهلویی فرهنگ مدرن، در فصل چهارم آمده است؛ در این فصل آموزه‌ی بازگشت ابدی نیچه را کوششی تلقی می‌کنیم که می‌خواهد پایه و اساسی جدید برای پیدایی ارزش در فرهنگ مدرن پیش نهد. سیاستی را که از این آموزه برمی‌خیزد، با رجوع به سرشت دوجهی مفهوم بشریت (Umbermensch) توضیح می‌دهیم. ما دو نوع بشریت را که در هیأت ناپلئون و گوته تجسم می‌یابد، تشخیص داده‌ایم، و استدلال می‌کنیم که شکل قانون‌گذارانه‌ی سیاست ناپلئونی در نظر نیچه، پارادوکس سیاسی کانت را بازتولید می‌کند، در حالی که مدل گوته نشان‌دهنده‌ی سیاستی است که مشخصه‌اش اخلاق نمونه‌ای^۲ است. این اخلاق به بهای رها کردن سودهای اوتوپایی اندیشه‌ی مدرن، بر پارادوکس کانت فائق می‌آید.

در فصل‌های پنجم، ششم و هفتم اندیشه‌ی وبر را بررسی می‌کنیم، و می‌کوشیم

1. the project of the evaluation of values

2. ethic of exemplarity

آثار وبر را با رجوع به نیچه شرح دهیم. در فصل پنجم به نحوی جدلی^۱ به این موضوع پرداخته‌ایم. در این فصل با نظر سنتی‌ای که روش‌شناسی وبر را بر نوکانت‌گرایی ریکرت مبتنی می‌داند، مخالفت می‌کنیم و از طریق نقد طولانی و دامنه‌دار وبر و شکل علوم فرهنگی وبری نشان می‌دهیم که روش‌شناسی وبر ساختار مربوط به نقد تبارشناسانه را بازتولید می‌کند. بحث جدلی‌مان بر قرائتی از استعاره‌ی مشهور وبر، استعاره‌ی سوزن‌بان، مبتنی است. در این قرائت، استعاره‌ی سوزن‌بان را استعاره‌ای می‌دانیم که ویژگی‌های مربوط به آموزه‌ی نیچه، آموزه‌ی اراده‌ی معطوف به قدرت را بازتولید می‌کند، و در عین حال آموزه‌ی نیچه را با توجه به تمایز میان دینامیسم کاریزما و دینامیسم روزمره شدن، و تمایز میان حوزه‌های زندگی، و منطق درونی جهان‌بینی‌ها، می‌پالاید و گسترش می‌دهد. در فصل ششم، نشان می‌دهیم که بازسازی تاریخی وبر از مدرنیته، تحت عنوان افسون‌زدایی، این دغدغه‌ی نیچه را تکرار می‌کند که اراده‌ی معطوف به حقیقت در مسیحیت پیامدهایی نیهیلیستی دارد، پیامدهایی که در هیأت عقل علمی سکولار متجلی می‌شود؛ و بدین ترتیب در فصل ششم روشن می‌سازیم که علوم فرهنگی وبری سرشتی نیچه‌ای دارند. البته وبر آموزه‌ی اراده‌ی معطوف به قدرت را برای شرح تغییر فرهنگی به کار می‌گیرد، و از این طریق آموزه‌ی نیچه را می‌پالاید. این نکته در شرح و بسط وبر از مشخصات نهادی افسون‌زدایی، به‌ویژه دلمشغولی او راجع به بوروکراسی آشکار می‌شود. در ادامه تحلیل وبر از اخلاق پروتستان را به حوزه‌های سیاست و علم ربط می‌دهیم، و از این طریق مفاهیم ناظر بر افسون‌زدایی و بوروکراسی را شرح می‌دهیم. هدف‌مان روشن ساختن این استدلال وبر است که انسان مدرن توانایی تبدیل شدن به موجودی خودآئین را دارد، اما هم فاقد پایه و اساسی فرهنگی برای خلق ارزش، و ایجاد انگیزه برای تحقق این توانایی است، و هم به‌طرز فزاینده‌ای شرایط نهادی را شرايطی نمی‌یابد که راه را برای تحقق این توانایی هموار کند، یا دست‌کم تحقق این توانایی را با محدودیت مواجه نسازد. در فصل هفتم پاسخ وبر را به مسئله‌ی بلوغ بررسی می‌کنیم. در این فصل نشان می‌دهیم که وبر مفهوم ناظر بر شخصیت را به‌طور دقیق توضیح می‌دهد، و این مفهوم را به پایه و اساسی فرهنگی برای پیدایی ارزش بدل می‌سازد؛ و

در عین حال اخلاق حرفه‌ای را بر سکولار کردن ایده‌ی تکلیف^۱ مبتنی می‌کند، و از این راه می‌کوشد در برابر تسلط/انضباط عقلانی^۲ مقاومت کند. این نوع سیاست را با رجوع به دو هیأت وبری بررسی می‌کنیم: سیاستمدار کاریزماتیک و نابغه‌ی علمی. استدلال ما این است که موضع وبر هم شکل قانون‌گذارانه و هم شکل نمونه‌ای سیاست را، که مشخصه‌ی مفهوم دوجهی بشریت در نظر نیچه بود، بازتولید می‌کند. البته این دو شکل سیاست در اندیشه‌ی وبر به طرزی بی‌ثبات و ناپایدار به یکدیگر گره خورده‌اند، به طوری که سرانجام سرشتی شک‌برانگیز می‌یابند.

در سه فصل بعدی به فوکو می‌پردازیم، و نشان می‌دهیم که چگونه دغدغه‌ی او در باب مسئله‌ی روشنگری به اندیشه‌ی نیچه و وبر مربوط می‌شود. در فصل هشتم با تمرکز بر شکل‌گیری و تکوین تأملات روش‌شناسانه‌ی فوکو درباره‌ی شکل نقد، از دیرینه‌شناسی تا تبارشناسی، و نگاه دوسویه‌ی دیرینه‌شناسی و تبارشناسی، به این موضوع می‌پردازیم. علاوه بر این، در فصل هشتم روش تبارشناسانه‌ی فوکو را بررسی می‌کنیم. به گمان ما روش تبارشناسی روشی است که قدری بیشتر آموزه‌ی اراده‌ی معطوف به قدرت را می‌پالاید و پیدایی سوژکتیویته را برحسب منازعات آگونیستی قدرت و اخلاق در رژیم‌های دانش بررسی می‌کند، رژیم‌هایی که قدرت و اخلاق آن‌ها را دگرگون می‌سازند و بازتولید می‌کند. به عبارت دیگر، عمل نقد برحسب نتایج‌اش برای خودآینی، به سوی اشکال عمل و دانش اجتماعی جهت‌گیری می‌کند. این جهت‌گیری را در فصل نهم از طریق "نگاه خیره‌ی دوسویه"^۳ توضیح می‌دهیم. در این فصل اشاره می‌کنیم که تأملات دیرینه‌شناسانه‌ی فوکو راجع به شکل مدرن اراده‌ی معطوف به حقیقت، بازسازی‌های تاریخی از مدرنیته را به سوی موضوعاتی مانند مجازات و سکسوالیته سوق می‌دهد، و تحت لوای زیست‌سیاست یک کاسه‌شان می‌کند. فوکو در این‌جا نشان می‌دهد که چگونه اشکال اومانیستی دانش و تکنولوژی‌های ناظر بر زیست‌سیاست، توانایی ما را برای دگرگون کردن خودمان، به تشدید روابط قدرت گره می‌زنند. در فصل دهم پاسخ فوکو به این مشکل را بررسی

1. calling

2. rational discipline

3. double gaze

می‌کنیم، پاسخی که فوکو در طی آن می‌کوشد اخلاق ضد اومانستی^۱ آفرینشگری^۱ را توضیح دهد، اخلاقی که سیاست منازعه را جایگزین سیاست حقیقت می‌کند. در نهایت استدلال ما این است که نتیجه‌ی پالایش نقد تبارشناسانه در اندیشه‌ی فوکو، رها ساختن نابغه/قانون‌گذار جهان - تاریخی است، نابغه/قانون‌گذاری که دست‌کم در سیاست نیچه، و در پاسخ وبر به مسئله‌ی بلوغ وجود داشت. به گمان ما این مسئله در سیاست فوکو در هیأت اخلاق نمونه‌ای آشکار می‌شود، اخلاقی که در آن فعالیت انتقادی، دقیقاً نمونه‌ای از جوهر اخلاقی‌ای است که فوکو می‌کوشد در فرهنگ مدرن سنگربندی‌اش کند.

در بخش نتیجه‌گیری، می‌کوشیم ویژگی‌های مهم استدلال‌مان را گرد آوریم و به نتایج شکل تبارشناسانه‌ی نقد درون‌بود، نقدی که در این مسیر تکوین یافت، برای اندیشه‌ی مدرن اشاره کنیم. در این‌جا هم می‌خواهیم به شباهت‌های خانوادگی‌ای اشاره کنیم که مسیر اندیشه‌های این سه را از دیگر مسیرها متمایز می‌سازند، و هم مسائلی را یادآور سازیم که این شیوه‌ی تفکر از طریق مسئله‌ی بلوغ پیش روی‌مان قرار می‌دهد.